

تعریف و ابعاد یادگیری از دیدگاه علمای تعلیم و تربیت

تعریف یادگیری : تغییرات نسبتاً پایدار در رفتار بلقوه فرد که بر اثر تجربه حاصل آمده است .

۱. تغییر : دگرگون شدن از وضعیتی به وضعیت دیگر تغییر کردن

۲. نسبتاً پایدار

۳. رفتار بلقوه : یادگیری حتماً نباید به صورت عملکرد ظاهر شود. ممکن است تغییراتی در رفتار بلقوه فرد می باشد و نمود بیرونی

نداشته باشد. در چنین شرایطی اگر عوامل دیگر موجود باشد یادگیری صورت گرفته است. مثل ناسزا گفتن

۴. اخذ تجربه : مشارکت فعال یادگیرنده در فرایند یادگیری را گویند.

یادگیری زمانی صورت می گیرد که مطلب در حافظه بلند مدت ما جای گیرد.

شرایط فیزیکی

شرایط یادگیری شرایط روحی – روانی

شرایط شناختی

عوامل موثر بر یادگیری: ۱. روش تدریس معلم ۲. آمادگی دانش آموز از نظر ذهنی و عقلی

۳. انگیزه و هدف (مهارت شروع) ۴. تجارب گذشته در یادگیری تاثیر دارد -پیش نیاز های شناختی ۵. موقعیت و محیط

یادگیری (تجهیزات) ۶. رابطه جزء و کل ۷. تکرار و تمرین ۸. فلات یادگیری (فرد دیگر پیشرفت نمی کند تکرار و تمرین تاثیر ندارد.

دلایل وقوع فلات : ۱. عدم علاقه ۲. ندانستن اصل جدیدی که پایه و اساس یادگیری های بعدی است. مثلاً جمع را بلد است

ولی جمع با انتقال را نمی داند ۳. کافی نبودن رشد یادگیرنده که به انتزعی نرسیده ۴. ایجاد عادات ناپسند مثلاً محاسبه با

انگشتان در ابتدا خوب است اما در حل معادلات مناسب نیست.

یادگیری و کسب اطلاعات یکی از ویژگی های بارز انسان هاست. انسان به طور غریزی تمایل دارد به اطراف بنگرد و حوزه اطلاعات

خودش را گسترش دهد. این روحیه جستجوگری همواره محرک انسان ها بوده واز آغاز خلقت تا کنون سبب کسب و تولید دانش

شده است. اما ابعاد و رویکرد آن در دوره های گوناگون از ویژگی های فرهنگی اجتماعی و مکاتب فلسفی متأثر شده است. از آنجا

که خداوند متعال انسان ها را به تامل در خلقت جهان و تفکر دعوت کرده است شایسته است آنان یاد بگیرند خوب ببینند، خوب

بشنوند، خوب ببیندیشند و رموز خلقت را کشف کنند و همواره ذهنی خلاق و سیال داشته باشند تا بتوانند زمینه های بلقوه را به

خلاقیت و نوآوری تبدیل کنند .

نحوه اندیشیدن و تفکر بارزترین ویژگی انسان و نوعی یادگیری است. بنابراین ضرورت تبیین و تشریح مفهوم و ابعاد یادگیری، در حکم

گلوآزه تعلیم و تربیت و نظام های آموزشی پرورشی بوده و بسیار مهم است.

براین اساس تعاریف و مفاهیم یادگیری عبارتند از:

- انتقال مفاهیم علمی از فردی به فرد دیگر
- کسب اطلاعات، معلومات و مهارت های ویژه
- تغییر در رفتار قابل مشاهده و قابل اندازه گیری
- کسب بینش های جدید یا تغییر بینش های گذشته

- فرایندی که طی آن رفتار موجود زنده در اثر کسب تجربه تغییر می یابد
- ایجاد و تقویت رابطه محرک و پاسخ در سیستم عصبی
- کسب شناخت ادراک و بصیرت
- فرایند تغییر نسبتاً پایدار در رفتار بلقوه آدمی بر اثر کسب تجربه
- ایجاد دگرگونی های نسبتاً پایدار در توانایی، گرایش و ظرفیت های پاسخ دهی

در این تعریف و مفاهیم، به جنبه های ویژه ای از یادگیری توجه شده که در مجموع تعریف جامع و کامل عبارت است از: (یادگیری تغییر رفتاری است که از طریق تجربه و تاثیر متقابل فرد بر محیط و محیط بر فرد در انسان ایجاد میشود و مشتمل بر مهارت ها ذهنی، فیزیکی و طرز تفکر است.)

نتیجه آنکه: یادگیری موثر تنها کسب و ذخیره سازی دانش ها و مهارت ها نیست، تقویت مهارت ها ذهنی، مهارت ها فیزیکی و بدی هم نیست. یادگیری موثر و کارآمد تقویت و گسترش مهارت های ذهنی فیزیکی و طرز تفکر، یعنی دانستن، توانستن و خواستن است هرگاه این سه مقوله اتفاق افتد یادگیری صورت می گیرد. این نوع یادگیری محکم، پایدار، قابل استفاده و مفید می باشد. (۱)

اکثر علمای تعلیم تربیت براساس سلیقه های گوناگون تفاسیر متفاوتی از یادگیری را ارائه داده اند. که در ذیل به ارائه چند تعریف و تفسیر از ایشان می پردازیم:

حضرت علی (ع) پست ترین علم آن است که بر زبان و با لاترین علم آن است که در جوارح و ارکان جاری گردد. (۲)
 هنگامی که دل ها نشاط یافت علم و کمال را در آنها به ودیعه بگذارید و هرگاه از نشاط تهی و گریزان شد آنها را وداع کنید زیرا دل ها در چنین حالتی آماده فراگیری علم نیستند.

جان دیویی: علاقه جرقه ای است که بدون آن شعله یادگیری فروزان نمی شود

سقراط: همان طور که مادرم ماما است من هم مامای دانش هستم و سعی می کنم دانش را از دهن افراد بیرون بکشم.
گانیه: آنچه به صورت تغییرات رفتاری در یادگیری مشاهده می کنیم تماماً برآیند یادگیری نیست بلکه تغییر رفتار بخشی از آن است. چیزی است که یاد گرفته می شود مطلب تازه ای است که جزء وجود یا گیرنده می شود و به صورت یک توانایی جدید برای انجام دادن کاری که قبلاً از انجام دادن آن عاجز بوده ظاهر می شود.

ژان ژاک روسو: آموزش باید برای دانش آموزان لذت بخش باشد. باید کمتر از کتاب درس داد و در مقابل سعی کرد کودک بیشتر از طبیعت بیاموزد. نباید جلوی کنجکاوی و فعالیت فرد گرفته شود.
 دانش آموز باید خود تصمیم گیرد کوشش کند و چیزی را یاد یاد.

جان دیویی: یادگیری براساس عمل یک اصل مهم آموزشی است و مدرسه باید کانون فعالیت باشد و مواد درسی برای رفع نیاز های فرد طرح و برنامه ریزی شود. خلاقیت باید جزء مهم برنامه های درسی باشد.

برونر: دانستن یک فرآیند است نه یک نتیجه پس دانش آموز باید از فعل انفعالات فرآیند آگاه باشد. دانش آموز مسئول یادگیری است بنابراین معلم تسهیل کننده و فراهم آورنده ی امکانات یادگیری است.

ژان پیاژه: اگر دانش آموزی برای رسیدن به حقیقتی سه روز وقت صرف کند تا شخصاً به کشف آن نایل شود بهتر از آن است که همان حقیقت را در ربع ساعت برای او توضیح داده شود. دانش آموز باید مشخصاً قواعد را کشف کند او باید بتواند. او باید بتواند در طول زندگی به یادگیری ادامه دهد.

وین هارلن: فرایند یادگیری (process skill) به مهارت هایی چون مشاهده، تحقیق، نتیجه گیری و ... گفته می شود که در آن اکتشاف مشخصی دخالت دارد. (3)

بنجامین بلوم و دیگران: در دفاع از یادگیری مبتنی بر تسلط بر این باورند که اغلب شاگردان می توانند بخش اعظم مطالبی را که معلم به آنها ارائه می دهد فراگیرند با دو نگرش یعنی انتظارات بالا و اعتقاد به توانایی اکثر فراگیران برای یادگیری می تواند موجب ارتقاء یادگیری و کاهش مشکلات رفتاری شود.

اکثر روانشناسان توافق دارند که یادگیری عبارت از تغییری نسبتاً مداوم در رفتار بالقوه ناشی از تجربه فرد است که این تعریف توجه ما را به سه موضوع جلب می کند اول اینکه یادگیری فرد را از برخی جهات تا حدی تغییر دهد. دوم اینکه این تغییر در نتیجه تجربه واقع می شود و سوم اینکه تغییر در رفتار بالقوه او باشد.

رفتارگراها (پیوندگرا) می گویند یادگیری بر حسب پیوندهایی بین محرک و پاسخ یا بین پاسخ و تقویت است و بر نقش محیط تأکید می کند. از سوی دیگر رویکرد شناختی معتقد است که اگر بخواهیم به مفهوم یادگیری پی ببریم نمی توانیم خود را به رفتار محدود کنیم بلکه باید توانایی ذهنی یادگیرنده جهت تجدید سازمان زمینه روانشناختی خود در پاسخ به تجربه نیز بپردازیم.

اولین توصیف یادگیری از سوی مکتب رفتار گرایانه اندیشه ترسیم شده و **به شرطی شدن عامل (کنش گر)** معروف است. دومین توصیف را مکتب شناختی به عمل آورده که **مفهوم گرای** وسیله ای نام گرفته است.

نظریه اجتماعی-شناختی بندورا :

وی می گوید وقتی دانش آموزان یاد می گیرند می توانند تجاربشان را به طوری شناختی بازنمایی کنند یا انتقال دهند به یاد داشته باشید که در شرطی عاملی پیوندها تنها بین تجارب محیطی و رفتار رخ می دهد.

یادگیری در نظریه بندورا: کسب اطلاعات از راه مشاهده.

یادگیری یکی از مهمترین زمینه ها در روانشناسی امروزه و در عین حال یکی از مشکل ترین مفاهیم برای تعریف کردن است. در یکی از فرهنگ لغت ها (American Heritage Dictionary) یادگیری این گونه تعریف شده است:

کسب دانش، فهمیدن، یا تسلط یابی از راه تجربه یا مطالعه... اما بیشتر روانشناسان این تعریف را به خاطر مبهم بودن و کلی بودن آن نمی پذیرند.

یکی از معروفترین تعریف ها از یادگیری، تعریفی است که بوسيله کیمبل (۱۹۶۱) پیشنهاد شده است. کیمبل یادگیری را ایجاد تغییر نسبتاً پایدار در رفتار یا توان فردی (رفتار بالقوه) است که تجربه ناشی می شود. و نمی توان آن را به حالت های موقتی بدن مانند آنچه بر اثر بیماری، خستگی یا داروها ایجاد می شود نسبت داد. (تغییر نسبتاً پایدار در توان رفتاری (رفتار بالقوه) که در نتیجه تمرین تقویت شده رخ میدهد، تعریف کرده است.) هر چند این تعریف بسیار معروف است، به هیچ وجه مورد پذیرش همه روانشناسان نیست.

در قانون اثر از ثرنایک آمده است: نیرومندی یا ضعیف شدن پیوند بین محرک و پاسخ است که در نتیجه به پیامدهای پاسخ اشاره می کند. برای مثال: اگر پاسخی با یک وضع خشنود کننده دنبال شود، نیرومندی این پیوند افزایش می یابد.

یادگیری در نظریه ی خبر پرداز ی یادگیری:

همان تعریف جامع یادگیری است با این تفاوت که تاکید بیشتری بر قسمت نسبتاً پایدار می کند.

در نظریه یادگیری اجتماعی مهم ترین نوع یادگیری انسان یادگیری مشاهده ای است که همان تقلید آموزی یا سر مشق گیری است که فرد با انتخاب یک الگو یا سر مشق به تقلید از رفتار آن می پردازد و این نوع یادگیری در چهار مرحله صورت می گیرد.

۱-مرحله توجه ۲- مرحله به یاد سپاری داری ۳-مرحله تولیدی یا باز آفرینی ۴- مرحله انگیزش

در هر یادگیری آموزشی چهار ستون اصلی وجود دارد. ۱- یادگیری چگونه داشتن ۲- یادگیری چگونه انجام دادن ۳- یادگیری چگونه با دیگران زیستن ۴- یادگیری چگونه شدن

یادگیری زنجیره ای: کنار هم قرار دادن چند محرک و پاسخ که پیچیده است- بستن کفش- مسواک زدن

یادگیری کلامی: استفاده از واحدهای زبان یا کلمه آموزشی

تمیز دادن محرکها: پاسخ درست به محرکهای مختلف دادن- تشخیص خودکار از روانپس -

یادگیری مفهوم: به ویژگیهای مشترک اشیاء و یا یک موضوع پاسخ درست بدهد- مثلثها سه گوش دارند.

یادگیری قانون: گذاشتن چند مفهوم کنار هم و ایجاد کردن یک جمله معنادار تازه- عدالت برای همه اقشار یکسان است.

یادگیری حل مسأله: یاد دادن قانونهای مختلف به دانش آموز- گذاشتن چند اصل ساده کنار هم و نهایتاً مسأله را حل کردن.

شناخت: ایجاد فهم و سیرت و اکتشاف-برونر، پیازه، بلوم از صاحب نظران نظریه شناختی می باشند.

عوامل مؤثر بر یادگیری از دیدگاه برونر: ۱- فرآیند یادگیری ۲- ساخت یادگیری ۳- شهودات و تجربیات ۴- انگیزش .

معلم باید تفکر استقرایی و قیاسی را در دانش آموز بوجود بیاورد ، تا از کل به جزء برسد .

معلم باید مشهودات یادگیری را در دانش آموز ساده کند و تحول و انگیزش بوجود آورد .

در نظریه شناختی ؛ انسان تحلیلگر است و فرآیند شناخت ریر بنای رفتار است .

نظریه گشتالتی : ثراندیک معتقد بود که یادگیری حالت پیوسته دارد و در نتیجه کوششهای تقویت شده و به تدریج و به طور منظم و کم کم افزایش می یابد . گشتالتیها معتقد بودند که یادگیرنده یا به راه حل مسئله می رسد یا نمی رسد ؛ یادگیری برای آنان حالت نا پیوسته دارد . برای گشتالتی ها ، یادگیری یک پدیده ادراکی است .

نظریه پیازه : طبق نظریه پیازه کودکان با تعداد اندکی طرحواره حسی - حرکتی متولد می شوند که چهار چوبی برای تعاملهای اولیه آنان با محیط فراهم می آورد . تجارب اولیه کودک توسط این طرحواره های حسی و حرکتی تعیین می شوند . به عبارت دیگر ، تنها آن رویدادهایی که قابل جذب به این طرحواره ها باشند . به وسیله کودک پاسخ داده می شوند .

هرم ساخت شناختی : ساخت شناختی عبارت است از مجموعه ای از اطلاعات - مفاهیم - اصول - و تقسیمهای سازمان یافته ای که فرد قبلاً در یکی از رشته های دانش آموخته است .

یاد گیری معنی دار : وقتی که مفهوم قابل ارتباط دادن با مفاهیمی باشد که از پیش در ساخت شناختی فرد وجود دارند آن مفهوم معنی دار است .

شمول آزوبل : یادگیری و جذب مطالب رادرساخت شناختی شمول نام نهاده است .

تعریف فرایند مشمول عبارت است از مربوط ساختن مفهومی تازه به مفهومی که از پیش در ساخت شناختی وجود داشته است .

یادگیری معنی دار: فرایندی است که در آن مطلبی مشمول مطالب کلی تردیگری میشود.

یادگیری معنی دار: یاد گیری عبارت است از ایجاد ارتباط بین مطالب جدید و ساخت شناختی یادگیرنده .

آزوبل: مهمترین عامل انگیزش مؤثربر یاد گیری معنی دار سائق شناختی است .

یادگیری : مجموعه ای از اصول و فنون را گفته می شود که هدف آن اصلاح رفتار افراد است.

دریک سیستم آموزشی چه زمانی یادگیری اتفاق می افتد ؟

زمانی یادگیری اتفاق می افتد که محتوا بر اساس نیاز دانش آموز باشد

موردعلاقه دانش آموز باشد تادراو ایجاد انگیزه شود.

مطالبی که ارائه میشود بر اساس توانایی های فردباشد .

باتجربیات گذشته فردارتباط داشته باشد .

مطالب برای دانش آموز کاربرد داشته باشد

مطالبی که ارائه می شود بر اساس آمادگی جسمی - عاطفی وروانی دانش آموز باشد .

یادگیری یکی از مهمترین زمینه هادرروانشناسی امروز ودرعین حال یکی از مشکل ترین مفاهیم برای تعریف کردن است .

رفتار سه بعد دارد : بعد دانش --بعد نگرش --بعد مهارتی .زمانی میگوییم یادگیری صورت گرفته که این سه رفتارباهم شکل بگیرد.

مثلاً دانش آموزی درکلاس رعایت نظم رابکند اما بیرون از کلاس نه چون نگرش وی عوض نشده یاد گیری صورت نگرفته است .

یادگیری نوعی توانایی است که در فردایجاد می شود فقط از طریق مراجعه به رفتار آشکار فرد میتوان از آن اطلاع حاصل نمود .

هیچکس نمی تواند به جای یادگیرنده یاد بگیرند و خودش باید مشارکت فعال در جریان یادگیری داشته باشد. معلم یاد نمی دهد و صرفاً شرایط یاد گیری را تسهیل میکند.

مفهوم روش پیش سازمان دهنده (Advanced Organizer Model)

این تکنیک آزوبل (۱۹۶۸-۱۹۷۸) برای کمک به دانشجویان برای یادگیری و بازیابی اطلاعات پیشنهاد کرد. ابتدا مربی یک پیش سازمان دهنده یعنی مقدمه ای مختصر در مورد طریقه ای که می خواهد اطلاعات را عرضه کند سازمان داده شده است برای دانش آموزان تدارک میبندد.

پیش سازمان دهنده همچون مجموعه از مفاهیم کلی است که به دانش آموزان کمک می کند چگونه مطالب اختصاصی تری را که در دنباله می آیند سازمان بدهند. چنین تصور می شود که اگر در آغاز پیش زمینه ای انتزاعی با ساختی سلسله مراتبی از آنچه می خواهیم به دانش آموزان آموزش بدهیم در اختیارشان بگذاریم به طوری که با دستگاه اندوزش حافظه آنان سازگاری داشته باشد

می توانیم یادگیری و بازیابی اطلاعات را آسانتر کنیم.

پیش سازمان دهنده برای مطالب خاص ممکن است به صورت خلاصه ای کتبی یا شفاهی که به شکل بسیار کلی تری نسبت به خود مطلب باشد تهیه شود چنین پیش سازمان دهنده ای باید همچون نوعی سازمان دهنده عمل کند به طوری که بتوان مدلهای آشنا را که اطلاعات جدید در غالب آنها هماهنگ شود مشخص کرد شواهد تجربی حاکی از این است که اگر معلم جلسه آموزشی را با یک پیش سازمان دهنده شروع کند می تواند مطالب جدید را برای دانش آموزان به صورتی مانوس تر و یا معنادار تر که در نهایت بازیابی شان ساده باشد در آورد. ما با دادن پیش سازمان دهنده ها، به دانش آموزان مجموعه ای از حقایق را ارائه نمی دهیم تا آنها از طریق استدلال استقرایی تصمیم های را گسترش دهند، یعنی به روش اکتشافی عمل کنند بلکه ما به آنها مفاهیمی ارائه می دهیم که آنها از طریق این مفاهیم حقایق را یاد می گیرند ولی چون ما استنتاج ها را در اختیار فراگیران قرار نمی دهیم، لذا پیش سازماندهنده هایی می توانند از طریق مفاهیم و مقوله های مورد نیاز در یادگیری اکتشافی نیز به کمک دانش آموز آیند. (۴)

در روش آموزشی آزوبل پیش سازمان دهنده ها نقش اصلی را بر عهده دارند پیش سازمان دهنده ها مجموعه ای از مفاهیم مربوط به یادگیری است که پیش از آموزش جزئیات تفصیلی آن مطلب در اختیار یادگیرنده گذاشته می شود. پیش سازمان دهنده یک مفهوم کلیدی است که پایه یادگیری مطالب بعدی را تشکیل می دهد. پیش سازمان دهنده فراهم آوردن مفاهیم مشمول کننده یعنی تدارک مجموعه ای از مفاهیم بسیار جامع است که مفاهیم واطلاعات جزئی تحت شمول ان قرار می گیرند. پیش سازمان دهنده ها به صورت خلاصه ای از موضوع در آغاز درس در اختیار یادگیرندگان قرار می گیرد اما آنها صرفاً خلاصه درس نیستند بلکه مطالبی را شامل می شوند که عناصر سازمان دهنده برای یادگیری های جدیدرا تدارک می بینند. پیش سازمان دهنده باید یک چار چوب ذهنی برای یادگیرنده فراهم آورد به نحوی که اطلاعات بعدی در آن به خوبی استقرار یابد. مطالب گنجانده شده در پیش سازمان دهنده ممکن است مطالب بنیادی و اصولی درس یا مطالب دیگری باشند که به یادگیرنده کمک کنند تا رابطه بین درسهای قبلی و درس تازه را درک نماید.

پیش سازمان دهنده در دو مورد به یادگیرنده کمک می کنند.

- زمانی که یادگیرنده از پیش مطالب مشابه با مطالب جدید را نیاموخته است که بتواند مطلب جدید را به آنها ربط دهد.
- در زمانی که یادگیرنده اطلاعات مشمول کننده لازم را قبلاً آموخته است اما رابطه بین آنها و مطلب جدید برای او روشن نیست.

ازوبل پیش سازمان دهنده ها را در دو دسته قرار می دهد؛ پیش سازمان دهنده های توضیحی یا نمایشی و پیش سازمان دهنده های مقایسه ای.

پیش سازمان دهنده های توضیحی اندیشه های کلی و روابط آنها با یکدیگر را توضیح می دهند و نکات مهمی را که ممکن است موجب سردرگمی یادگیرندگان بشود روشن می سازد. مطلب این پیش سازمان دهنده از مطالب درسی کلی تر و انتزاعی تر است.

پیش سازمان دهنده های مقایسه ای بین آموخته های قبلی دانش آموزان و آنچه قرار است بیاموزد ارتباط برقرار می کنند و در واقع دانش و اطلاعات قبلی آنها را فعال می سازد پیش سازمان دهنده ها مورد نظر آزرابل به صورت کلامی و نوشتاری هستند. استفاده از پیش سازمان دهنده ها به ویژه زمانی که سرو کار معلم با یادگیرندگانی است که از نظر توانایی کلامی ضعیف هستند یا در مورد موضوع درسی سابقه ذهنی کمتری دارند یادگیری را بسیار آسان می سازد. اساس این نظریه معناداری می باشد و بر مبنای این نکته است که یادگیری حقیقی صورت نمیگیرد مگر اینکه معنادار باشد. یادگیری معنی دار یادگیری است که یادگیرنده بتواند مطلب جدید را با مطالب قبلی مرتبط با این موضوع را بتواند با هم پیوند دهد. به عنوان مثال می خواهیم متساوی الساقین را درس بدهیم و کودک ما قبلاً با مفهوم مثلث آشنا شده بنابراین ما می آییم مطالب جدید را با مطالب قدیم پیوند می دهیم. (۵)

تاریخچه طراحی آموزشی

اگر چه افراد بسیاری در زمینه ی طراحی آموزشی فعالیت کرده اند ولی کسی که بیش از همه در اوایل کار خود بر این جریان تأثیر گذاشت، ادوارد ثورندایک (Edward Thorndike) بود. ثورندایک تحقیقات علمی خود را ابتدا بر روی حیوانات و سپس بر روی انسان ها انجام داد. او بر اساس نتایج تحقیقات و آزمایش های خود، اولین نظریه یادگیری را در حدود سال ۱۸۹۹ بیان کرد. غالباً او را « پدر فناوری آموزشی » تلقی می کنند. هر علمی نتیجه ای در پی دارد و این نتیجه بر تکرار عمل یا عدم تکرار آن تأثیر می گذارد. به طور خلاصه، او تشریح کرد که وقتی عمل نتیجه مطلوبی داشته باشد، امکان تکرار آن بیش تر است. بر عکس، وقتی عملی نتیجه ی نامطلوبی بر جای گذارد، امکان کم تری وجود دارد که در آینده تکرار شود. از نظر آموزشی، بر اساس نظریه ی ثورندایک معلمان نیاز دارند که بین محرک ها - پاسخ هامناسبی به وجود آورند (برای مثال بین محرک ۲+۲ و پاسخ ۴) لازم است معلم به دانش آموزانی که پاسخ درست می دهند، پاداش مثبت بدهند و از ایجاد ارتباطات نامناسب جلوگیری کند.

نظریه ثورندایک نه تنها بر تدریس کلاسی اثر گذاشت بلکه بر جوانب اجتماعی یادگیری نیز تأثیراتی گذاشت. در اوایل این قرن، همچنین کوشش هایی برای انفرادی کردن آموزش به عمل آمد. فردریک برک (Frederic Burk) در سال ۱۹۱۲ در سانفرانسیسکو، به تولید برنامه های آموزش انفرادی پرداخت. پروژه هایی که او و دونفر از دستیارانش تهیه کردند، در سال های بعد بر مبنای روش های آموزشی بسیار تأثیر گذاشت. در سال های ۱۹۳۰ نظریه ثورندایک برای استفاده از روش های تجربی در مسائل آموزشی توسط فرانکلین بابیت (Franklin Bobbitt) گسترش یافت. او پیشنهاد کرد که مدارس هدف های آموزشی خود را بر اساس تجزیه و تحلیل مهارت هایی که برای یک زندگی موفق لازم است بنا کنند. این نظریه، تجزیه و تحلیل وظایف شاگرد را در طرح آموزشی مشخص تر کرد و ارتباط بین نتایج آموزشی و تمرین های آموزشی را به وضوح نشان داد. در این دهه رالف تایلور (Ralph Taylor) نیز در دانشگاه ایالتی اوهایو، مفهوم هدف های آموزشی را ساخته و پرداخته کرد. او هدف های آموزشی را که « هدف های جزئی » می نامید، مورد بررسی قرار داد و متوجه شد که متخصصان تعلیم و تربیت در بیان هدف های آموزشی خود بسیار ضعیف عمل می کردند. تایلور برای حل این مشکل، فرایند تعیین هدف های آموزشی را اصلاح کرد. او در پایان بررسی خود، نتیجه گیری کرد که هدف های آموزشی را از دیدگاه رفتار دانش آموزان باید به روشنی و وضوح بیان نمود. از نظر او این هدف ها باید در ارزش یابی از کار دانش آموزان مورد استفاده قرار گیرند. دهه های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰، زمان فعالیت های بسیار سخت در عرصه

های نوین طراحی آموزشی بود. یکی از اولین کسانی که به دسته بندی هدف های آموزشی پرداخت ، بنجامین بلوم بود. او در سال ۱۹۵۶ ، در کتاب خود « طبقه بندی هدف های آموزشی » هدف ها را به سه دسته یا حیطه عمده تقسیم کرد : حیطه شناختی ، حیطه عاطفی و حیطه روان حرکتی .

نظریه اسکینر (B.f. Skinner) که نظریه ای رفتار گرایانه تلقی می شود ، یکی از نظریات عمده در زمینه طراحی آموزشی در سال های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ بود که شروع آموزش برنامه ای را سبب شد.

آموزش بر نامه ای بر مبنای یاد گیری تسلط یاب طرح ریزی شده بود . مواد درسی به صورت بخش های بسیار کوچک به دانش آموزان ارائه می شد . در هر مرحله ، دانش آموزان می بایست قبل از رفتن به بخش بعدی ، معلومات خود را با جواب گویی به یک یا چند سوال نشان می دادند . اگر چه شور و شوق برای آموزش برنامه ای در دهه ی ۱۹۶۰ کاهش یافت ولی باید اذغان کرد که تأثیر آن در طراحی آموزشی بسیار قابل توجه بوده است . حتی هم اکنون نیز این تأثیر را تر بسیاری از برنامه های آموزشی رایانه ای می توان مشاهده کرد .

در اواخر سال های ۱۹۶۰ ، طراحی به مثابه ی یک رشته ی تحصیلی مطرح شد . مدل های گوناگونی برای طراحی آموزشی به وجود آمد و توسط نظریه پردازان این عرصه ، مورد آزمایش قرار گرفت .

رابرت گانیه (Robert Gagne) و سایر علمای شناختی در سال های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ به طراحی آموزشی حالت شناختی بیش تری بخشیدند . گانیه شرایط آموزشی مطلوبی را که یاد گیرندگان برای دستیابی به هدف های مشخص آموزشی به آن نیاز داشتند ، تشریح کرد و بیش تر بر درک این مطلب که در فکر دانش آموزان چه می گذرد ، تأکید نمود.

طراحی آموزشی در سال های اخیر

شرح وضعیت طراحی آموزشی در سال های اخیر از چندین جهت ، کار بسیار دشواری است ؛ چرا که ابهامات زیادی در مورد این زمینه علمی وجود دارد . در جامعه ی طراحان آموزشی ، بحث ها و گفت وگوهای مداوم ولی سالمی در باره ی این رشته و نقش آن در آموزش جریان دارد . یکی از زمینه های بحث و گفتوگو اینجاست که کدامین بعد نظری باید این زمینه ی علمی را راهنمایی کند و به پیش ببرد .

این رشته علمی بر اساس نظریات تراندایک و اسکینر که هر دواز رفتار گرایان به شمار میروند ، بنا شده است . به نظر آن دو ، موضوع مهم پاسخ صحیحی است که دانش آموز به محرک می دهند نه فعالیت های ذهنی او برای رسیدن به پاسخ صحیح . در دهه های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ ، توجه زیادی به نظریه های یاد گیری شناختی معطوف شد . تأکید این گونه نظریه – بر خلاف نظریه های رفتاری – بر چیزی بود که در فکر و ذهن دانش آموزان می گذشت . نظریه پردازان شناخت گرا بر ساخت ذهنی دانش آموز هم چنین فرایند های ذهنی ای که در حین یاد گیری اتفاق می افتاد ، تأکید فراوان داشتند . در روزگار ما ، یکی از انواع بسیار متداول این نظریه ، نظریه ی ساخت گرایی است . پیام اصلی این زمینه ی فکری این است که دانش نمی تواند به یاد گیرندگان منتقل شود بلکه یاد گیرندگان باید دانش را خود برای خود بسازند . بعضی از طرفداران این نظریه ، به فرایند فکری ساختن دانش توجه می کنند ، در حالی که بعضی دیگر به موقعیت ها ی اجتماعی این سازندگی ، مانند مدرسه توجه دارند .

بینش اخیر در محافل امروزی تعلیم و تربیت طرفداران و رونق فراوانی دارد اگر چه از نظر بسیاری افراد ، طراحی آموزشی با ریشه رفتاری خود ارتباطی مستقیم دارد .

ولی می توان گفت که اکثر طراحان آموزشی نظر شناختی را می پذیرند . به هر حال ، کاربرد این نظریه هادر انجام عملی طراحی آموزشی هنوز مشخص نیست و راهی طولانی در پیش دارد و بحث و گفت وگوهای بسیاری رانیز دامن زده است . به طور خلاصه ، طراحی آموزشی را می توان یک زمینه علمی تثبیت شده و در عین حال رشته این دانست که اکنون در حال خود آزمائی بسیار شدید است . این خود آزمایی بر طبیعت این رشته ، نقش آن در تغییر و تحول مدارس و پاسخ آن به ابعاد گوناگونی نظری در زمینه ی یاد گیری تأثیر خواهد گذاشت .

آشنایی با مراحل طراحی آموزشی نظام دار

رسانه های آموزشی امروزی تحولات و دگرگونی های عظیمی در فرایند آموزش و یاد گیری به وجود آورده اند ولی متأسفانه به دلیل نارسایی ها و کمبود هایی که در محتوای برنامه ها و نحوه ی ارائه ی آن ها وجود دارد ، از کارایی این رسانه هانمی توان به طور کامل و مطلوب استفاده کرد .

در ارائه برنامه های آموزشی به منظور بهره وری بیش تر از امکاناتی که در دسترس معلمان و دانش آموزان است ، می توان از فرایند نظام دار طراحی آموزشی بهره برد . همان طور که قبلاً نیز اشاره شد ، طراحی آموزشی فرایندی نظام دار برای بررسی و تجزیه و تحلیل هدف های آموزشی ، مشخصات دانش آموزان ، انتخاب روش های تدریس و رسانه ها ، ارزیابی از کل فرایند و پیشرفت دانش آموزان و تجدید نظر و اصلاح آن است. متخصصان مدل های گوناگون را برای طراحی آموزشی ارائه کرده اند .

یکی از الگوهای طراحی آموزشی توسط هانیک ، مولندا ، وراسل به نام مدل ASSURE بود. همچنین مدل ADDIE و یا مدل دیک و کری. مثلاً در مدل ASSURE مراحل عبارتند از:

مرحله اول - ویژگی های دانش آموزان را معین کنید. اولین قدم در طراحی ، شناسایی دانش آموزان خود را بشناسید ؛ قبل از این که بتوانید بهترین رسانه ها و فعالیت ها را برای رسیدن به هدف های یاد گیری انتخاب کنید . دانش آموزان باید از نظر خصوصیات عمومی و توانایی ورودی یعنی معلومات ، مهارت ها و نگرش هاشناسای شوند .

مرحله دوم - هدف های کلی و جزئی (آنچه دانش آموزان باید بیاموزند) را تعیین کنید .

آموزش مؤثر بر اساس هدف های کلی و جزئی تعیین و پایه گذاری می شود . هدف های کلی جملاتی هستند که بازده های یاد گیری دانش آموز را به صورت کلی و عام شرح میدهند . هدف های کلی و محتوای کتاب های درسی غالباً در نظام های متمرکز توسط کارشناسان برنامه ریزی درسی یا معلمان تعیین میشود . هدف های کلی به صورت جمعی و کلی بیان می شوند و ممکن است توجیهات و برداشت های گوناگونی را به دنبال داشته باشند .

مثال های زیر نمونه هایی از این هدف ها هستند ، دانش آموزان چهار عمل اصلی را می فهمند ، دانش آموزان تا پایان سال حروف الفبا را می شناسند ، دانش آموزان درباره شهرهای اصلی ایران ؛ اطلاعات جامعی خواهند داشت .

هدف های جزئی بسیار مشخص و روشن بیان می شوند و چگونگی رسیدن به هدفهای کلی آموزشی را مشخص میکنند . تعیین هدف های جزئی غالباً توسط کتاب های درسی و در مواردی توسط معلمان ، دانش آموزان و والدین انجام می گیرد . هدف ها را در سه حیطه ی شناختی ، هدف های مربوط به درک حقایق ، اصول و کاربرد قوانین و مفاهیم جای دارند . هدف هایی که به احساسات و عواطف دانش آموزان مربوط می شوند ، در حیطه ی عاطفی قرار می گیرند .

اهداف این حیطه عبارتند از : آگاهی از ارزش ها و قبول آن ها . اولویت ها و تعهدات هدف های حیطه روان - حرکتی ، در برگرنده هدف هایی در زمینه ی مهارت های عملی از قبیل ماشین کردن ، دویدن و کار با رایانه است . جدول شماره ۱ مثال هایی از هدف های حیطه ی شناختی ، عاطفی و روان - حرکتی را ارائه میدهند . هدف های جزئی پیشرفت یاد گیری دانش آموزان را معین میکنند و اغلب ، رفتار قابل رؤیت و ارزش یابی آنان را در نظر میگیرند ، برای مثال ، این نوع هدف ها فعالیت هایی از قبیل فهرست کردن ، تعریف کردن ، شرح دادن ، مقایسه کردن ، تجزیه و تحلیل کردن و نمایش و ارائه دادن را بیان میکنند .

بنابراین آنچه گفته شد ، تعیین هدف ها دومیته اساسی دارد : یکی این که دانش آموزان را از انتظارات پایانی درس آگاه میکند . دیگر این که معلمان را یاری می دهد تا دقیق تر و مطابق با مطلب و نحوه آموزش ، عملکرد دانش آموزان را ارزش یابی کنند آن دسته از هدف های یاد گیری را که دقیقاً و به صورت ملموس بیان نمی شوند می توان به صورت انتزاعی و مجرد بیان کرد ؛ مشروط به این که نحوه ی ارزش یابی آن ها - برای مثال از طریق قضاوت و عقیده ی معلمان و شاگردان - نیز به طور روشن مشخص شود ، مثلاً «علاقه به خواندن» را میتوان با مشاهده ی این که دانش آموز چه مدت زمانی را با اراده و تصمیم خود برای مطالعه در کتابخانه میگذارد ، چند کتاب از کتابخانه قرض می گیرد

واین که باتشخیص معلمان و دانش آموزان ،مدت زمان صرف شده یا کتاب های قرض گرفته شده تا چه حد مفید و بارزش هستند ، ارزش یابی کرد .

هدف های جزئی دارای چهار ویژگی زیر است : دانش آموزباشند (یاد گیرنده) رفتاری راکه آنان باید انجام دهند ، مشخص کنند (رفتار مورد نظر) ؛ شرایطی راکه تحت آن رفتار مورد نظر باید اتفاق بیفتد معلوم کنند (شرایط لازم) و میزان درستی رفتار مورد نظررابیان کنند (معیار موردقبول) مثالی راکه باتوجه به چهار ویژگی ذکر شده است ، در نشر بگیرید : با دادن ده عدد دو رقمی نوشته شده بر روی کاغذ (شرایط لازم دانش آموزان کلاس دوم دبستان) یاد گیرندگان)باید بتوانند با ۹۰ درصد صحت (معیار مورد قبول) جمع صحیح این اعداد رابنویسند (رفتار مورد نظر)

البته متذکر میشویم که دراین باره نباید وسواس زیادی داشت . معمولاً آن چه راکه ما علاقه مندیم دانش آموزان بیاموزند وآن چه راکه آنان درحقیقت میآموزند ، نمی توان دقیقاً پیش بینی کرد ؛بنابراین ،هرگز اجازه ندهید که نوشتن دقیق و صحیح این هدف ها ، اهمیت آن چه راکه دانش آموزان از فرایند آموزش و یاد گیری به دست می آورند ، تحت الشعاع قرار دهد .کشف ارزش رفتارهایی چون سهیم شدن و سهیم کردن ، کار گروهی یاتجربه ی درگیر شدن دریک تضاد و اختلاف نظر و نحوه ی حل آن ، بی شک بالاتر ووالا تر از یادگیری های از قبل تعیین شده است .

مرحله سوم – روش ها ، رسانه هاومواد رانتخاب کنید .

رسانه ها رابراساس این که کدام یک از آن ها می تواند روش ها وفعالیت های آموزشی انتخابی شما رادارتباط باهدف های آموزشی بهتر به انجام رساند ، انتخاب کنید . کارکردرسانه های چاپی ،تصویری والکترونیکی با یک دیگر بسیار متفاوت است ؛ برای مثال ،از نوار های صوتی می توان جهت ارائه ی مطالب میتوانیم تغییرات دلخواه رادرآن ها به وجود آوریم وهم چنین به پاسخ های دانش آموزان دربرنامه های تعاملی باز خورد دهیم .

نوارهای ویدویی امکان مشاهده وبازنگری فوری عملکرد های دانش آموزان در ورزش ،سخنرانی وکارهای کارگاهی رافراهم می آورند .دومین نکته ای که هنگام انتخاب یک رسانه باید درنظر گرفته شود ،این است که این رسانه برای گروه های چند نفری مورداستفاده قرار خواهد گرفت ؛برای مثال ،ازورقه های شفاف برای گروه های بزرگ استفاده می شود ، درحالی که اسلاید وفیلم استریپ را هم برای گروه های بزرگ وهم برای گروه های کوچک وانفرادی می توانبه کاربرد .سومین نکته در انتخاب رسانه ها این است که رسانه ی مورد نظر ،تا چه حد برای دانش آموزان جالب است وبالاخره این که رسانه از نظر قیمت میزان بودجه وامکاناتی که معلم وکلاس از نظر دستگاه در اختیار دارد ، درچه شرایطی است .جدول شماره ۲ رامی توان به مثابه ی یک راهنمای کلی در انتخاب رسانه ها مورد استفاده قرار داد ولی در هر صورت ،بهترین راهنمای انتخاب سانه تجربه ، قضاوت ،وتشخیص معلم دراین مورد است .

نکته قابل توجه در استفاده از رسانه های آموزشی این است که در درجه اول تا حد امکان باید از مواد تولید شده ، آماده و در دسترس استفاده کنید وتنها در درجه دوم به تولید مواد جدید پردازد .

مرحله چهارم – مواد و رسانه های آموزشی رادر خلال برنامه ی آموزشی به کار ببرید .

پیش از ارائه مطلب به دانش آموزان ،تمام قسمت آموزش خود اعم ازارائه وطرح سئوالات خواندن مواد درسی ،استفاده از رسانه هاو...راتنظیم وبرنامه ریزی کنید . ازبعضی مطالب برای شروع بحث وایجاد علاقه وتوجه دردانش آموزان استفاده کنید وبعضی دیگر را برای تمرین ،ارتباط دادن مطالب جدید به مطالب از پیش یاد گرفته شده وبه کار گیری مواد جدید درحل مسائل ومشکلات به کار ببرید.

به طور کلی نکات زیر را برای برنامه ریزی و اجرای درس خود مورد استفاده قرار دهید :

محتوای کامل درس را که در بر دارنده ی تمام اجزای طرح آموزشی است ، یک بار مرور و بررسی کنید .

شیوه ارائه ی مطالب را تمرین کنید ، در صورت امکان تمرین خود را روی نوار صوتی یا ویدئو ضبط کنید تا بهتر بتوانید از خود انتقاد نمایید .

رسانه های مورد نیاز – اعم از نرم افزار ها و سخت افزار ها – را تهیه کنید و مطمئن شوید که همه به درستی کار میکنند . امکانات لازم برای استفاده از رسانه ها اعم از برق ، پرده ی نمایش ، باتری ، بلند گو... را فراهم آورید .

قبل از ارائه درس کلاس را با جلب توجه دانش آموزان به موضوع مورد بحث آماده سازید .

درس در ارائه دهید ؛ ابتدا محتوای کلی درس را به اجمال بیان تا توجه دانش آموزان جلب شود . سپس ، کلمات نا آشنا و جدید درس را شرح دهید . پس از آن ، محتوای درس را با علاقه و ضمن حفظ تماس دیداری خود با آنان و حرکت در کلاس (برای جلب توجه بیشتر آنان) ارائه دهید .

دانش آموزان را به فعالیت وادارید . آنان را تشویق کنید که درباره ی مطالب اظهار نظر ، بحث و گفتگو کنند و از نکات مهم یادداشت بردارند . در کلاس محیطی را به وجود آورید که دانش آموزان بدون احساس خجالت یا ترس نکات مبهم را بپرسند و درباره ی آن بحث و گفتگو کنند .

به دانش آموزان باز خورد مثبت و سازنده بدهید تا محیطی کاملاً تعاملی و فعال در کلاس ایجاد شود .

قبل از پایان کلاس مطالب را برای دانش آموزان یا توسط آنان دوره کنید . درس را به تنهایی یا با کمک چند نفر از دانش آموزان جمع بندی ، مرور و خلاصه کنید . امکان به کارگیری مطالب جدید را در مورد مسائل حقیقی به وجود آورید تا این مطالب برای دانش آموزان معنا و انسجام پیدا کنند .

انجام دادن طرح ها ، مطالعه ی مطالب خارج از کلاس و فعالیت هایی از این قبیل را برنامه ریزی کنید و محتوای درس را به برنامه ی کلی درسی و هم چنین زندگی حقیقی زندگی دانش آموزان مرتبط سازید .

مرحله پنجم – فعالیت دانش آموزان را طلب کنید

اگر دست یابی به اهداف درس مورد نظر است ، دانش آموزان نباید مطلب یا یادگیری مورد نظر درس را برای اولین بار در هنگام گرفتن امتحانات تمرین کنند . برعکس ، در درون درس باید فعالیت هایی طراحی شوند که به آنان اجازه دهد تا به مطالب پاسخ گویند و باز خورد مناسب را در زمان مناسب دریافت کنند . از جدول شماره ۱ می توان برای این کار کمک گرفت .

جدول شماره ۱- روش ها و فعالیت های آموزشی مناسب بر مبنای هدف های یاد گیری

روش ها و فعالیت های آموزشی	هدف های یاد گیری
<p>بزرگی و کوچکی حروف و کلمات نوشته شده</p> <p>- آهنگ صدا</p> <p>- بلندی صدا و کوتاهی صدا</p> <p>- موسیقی آشنا</p> <p>ابداع و نوآوری در انتخاب و ارائه مطالب</p> <p>رنگ -</p> <p>تماس دیداری (چشمی)</p>	<p>جلب توجه دانش آموزان</p> <p>-</p>

رقابت	-	ایجاد انگیزش در دانش آموزان
کار گروهی	-	
تشویق	-	
ارتباط باندنیادی خارج	-	
پیش آزمون ها	-	پیش سازمان دهی مطالب
تکالیف خواندنی از پیش تعیین شده	-	
تعیین رؤس مطالب	-	
تعیین هدف ها	-	درک بهتر مطالب توسط دانش آموزان
اعتبار مطالب	-	
تنظیم وسازمان دهی مطالب توسط دانش آموزان		
استفاده از مثال های آشنا و مربوط به زندگی دانش آموزان		
جمع آوری اطلاعات توسط دانش آموزان		
تجزیه و تحلیل توسط دانش آموزان		
شرح و بسط مطالب توسط دانش آموزان		
پاسخ دادن	-	
بررسی کردن		
بازخورد سازنده دادن به دانش آموزان		
مرتبط ساختن مطالب جدید به آموخته های قبلی		
تکرار	-	

-فن آوری : ترکیبی است از مهارت ها ، دانش ها ، توانایی ها ، مواد و ابزارها یی که انسان از آن برای تبدیل یا تغییر مواد خام واجناس ارزشمند یاخدمات استفاده میکنند .

- فن آوری اطلاعات : تکنولوژی برای ذخیره ، بازیابی انتقال وپردازش اطلاعات که مدیریت نوین در مجموعه خود اعمال می کند، میباشد وهمچنین متشکل است از چهار عنصر اصلی ۱- انسان ۲- سازوکار ۳- ابزار ۴- ساختار یه طوری که دراین فناوری اطلاعات از طریق زنجیره ی ارزشی که از به هم پیوستن این عناصر ایجاد می شود جریان یافته است وپیوسته تکامل سازمان رافراهم فرد قرارمی دهد

نانو تکنو لوژی : توسعه فناوری و تحقیقات درسطوح اتمی ، ملکولی ،ویاماکرو ملکولی درمقیاس های نانو متر می باشد

توانایی کنترل یادستکاری در سطوح اتمی - خلق و استفاده از ساختارها، ابزار و سیستم‌هایی که به خاطر اندازه کوچک عملکرد نوینی دادند.

انتقال تکنولوژی : عبارت است از به کارگیری و استفاده از تکنولوژی در مکانی به جز مکان اولیه ایجاد و خلق آن و به عبارت دیگر فرایندای است که باعث جریان یافتن تکنولوژی ارمنبع به دریافت کننده ی آن می شود .

تکنولوژی آموزشی چیست ؟

۱) مجموعه ای از روش ها و دستوالعمل که با استفاده از یافته های علمی برای حل مسائل آموزشی اعم از طراحی و اجرا و ارزشیابی در برنامه آموزشی به کار گرفته میشود.

۲) فرایندی که بانگاه سیستماتیک سعی دارد بهترین نوع آموزش را شناسایی و پیاده سازی نماید .

۳) اصول و راهبرد هایی که برای حل مسائل آموزشی در سطح کاربردی به کار می رود و برخورد علمی با پدیده های باشد و نگرش تکنولوژی آموزشی با مسائل تعلیم و تربیت مرتبط است.

۴) تئوری و اجرای اعمال ، طراحی ، رشد ، کاربرد ، مدیریت ، ارزشیابی فرایند ها و منابع یادگیری است .

۵) معنی لغوی کلمه تکنولوژی آموزشی ، کلمه تکنو : برخورد سیستماتیک با پدیده های علمی ، لوژی : شناخت ، آموزش : فعالیت هدفمند .

اهداف تکنولوژی آموزشی

- ۱- طراحی و تولید منابع رسانه ای
- ۲- تهیه و تدوین ، توسعه و اصلاح طرح های آموزشی
- ۳- کمک در تهیه و تنظیم محتوا برای رسانه های آموزشی
- ۴- تسهیل و تثبیت یاد گیری
- ۵- رفع مشکلات و مسائل نظام آموزشی
- ۶- تکنولوژی در جستجوی حلقه گمشده ای است تا بتواند به واسطه آن رشته های وسیع و گسترده ای از علوم و دانش را به هم متصل کند.
- ۷- وسیله ای مطمئن برای بهره بردن و ایجاد تغییر در وضعیت موجود نظام و طرح های آموزشی.

اصول کلی نظریه رفتارگرایی:

- در مدرسه باید تداوی های محرک و پاسخ _ عادت و وابستگی آموزش داده شود .
- تقویت را شرط لازم برای یادگیری می دانند
- باید موضوعات از قبل تعیین شود و طی یک ساختار و نظام مشخص به فراگیر ارائه شود.
- باید دانش آموزان را با بهره گیری از محرک های خارجی به فراگیری تشویق نمود تا پس از یادگیری در موقعیت های مشابه قادر به استفاده از آموخته های خود شوند.
- به تحلیل اهمیت ویژه داده می شود .
- رفتار به وسیله ی متغیرهای محیطی شکل می گیرد .
- رویکرد رفتارگرایی ناظر بر اهداف عملکردی است .
- معلم نقش تعیین کننده دارد . (ارائه ی مطلب کنترل و اجرای آموزش ارزشیابی برعهده معلم است.)

چیستی و دامنه ساخت‌گرایی عمل در یاددهی و یادگیری

واژه ساخت‌گرایی، در لغت به معنای ساخت و ساز و سازندگی است. در روان‌شناسی، منظور از ساخت‌گرایی، نظریه‌ای است که فرض می‌کند دانش نمی‌تواند بیرون از عامل‌های شناسایی یادگیرندگان باشد. یعنی، دانش چیزی است که بر مبنای واقعیت‌های موجود و ملموس که در درون یادگیرنده ساخته می‌شود. (توبین/باگر، ۱۹۹۱)

ساخت‌گرایی بر اهمیت ساختن دانش از طریق ارتباط دادن پیش‌آموخته‌ها با آموخته‌های جدید تأکید می‌ورزد. در ساخت‌گرایی ارتباطاتی بین یادگیری جدید و پیشین جستجو می‌شود؛ پژوهش‌گران و نظریه‌پردازان اظهار می‌کنند که عنصر اصلی نظریه ساخت‌گرایی آنست که یادگیرندگان فعالانه به ساخت دانش خود، مقایسه اطلاعات جدید با اطلاعات پیشین، و به استفاده از همه موارد مورد نیاز برای یادگیری اقدام می‌کنند.

ساخت‌گرایان بر این باورند که واقعیت دریافت شده از سوی یادگیرندگان، نتیجه تجارب آنان است. به دیگر سخن، آنان واقعیت را چیزی می‌دانند که ساخته خود فرد است. همچنین، ساخت‌گرایان بر این باورند که یادگیری حل مسئله برپایه اکتشافات فردی است و یادگیرنده به صورت درونی برانگیخته می‌شود. دانش آموز به محیطی علاقه دارد که ایجاد انگیزه می‌کند و در آن به تمرکزش افزوده می‌گردد (آقازاده، ۱۳۷۲)

در اصل، ساخت‌گرایی بر آنست که: ما از طریق فرآیند پیوسته بازنمایی واقعیت بر مبنای تجربه‌های خودمان از واقعیت‌ها می‌آموزیم. یادگیری شامل عناصر اجتماعی است، و رشد مفهومی حاصل تسهیم نظرگاه‌ها و اصلاح تجسم درونی در برابر تسهیم است. هدف آموزش از منظر ساخت‌گرایان انتقال اطلاعات نیست؛ بلکه ترغیب شکل‌دهی دانش و توجه به فرایندهای فراشناختی برای داوری، سازمان‌دهی، و کسب اطلاعات جدید است. رویکرد ساخت‌گرایی به صورت‌های گوناگونی خود را در کلاس‌های درس نمایان می‌سازد. «انتخاب مواد آموزشی (برای مثال، به کارگیری موادی که دانش‌آموزان می‌توانند به یادگیری آن‌ها بپردازند، یا از آن‌ها برای برقراری ارتباط با محیط بهره‌گیرند)، در انتخاب فعالیت‌ها (برای مثال، برگزیدن فعالیت‌های مشاهده‌ای دانش‌آموزان، گردآوری اطلاعات، آزمون فرضیه، و گردش علمی)، در ماهیت فرایندهای کلاسی (برای مثال، استفاده از یادگیری از طریق همیاری، و بحث)، در تلاش برای درهم‌تنیدن برنامه‌های درسی (برای مثال، درهم‌تنیدن دروس نگارش، خواندن، ریاضیات و ...» در «کلاس درس ساخت‌گرا» به دانش‌آموزان معمولاً تا جایی که امکان دارد یاد داده می‌شود برای هدایت یادگیریشان طرح‌ریزی کنند. معلمان در کلاس‌های درس ساخت‌گرا، نقش مربی و تسهیل‌کننده را ایفا می‌کنند، و دانش‌آموزان ترغیب می‌شوند فعالیت‌های را انتخاب کنند و منفعل نباشند، و در یادگیری خود نقشی ایفا نمایند (برنینگ و همکاران، ۱۹۹۱)

رویکردهای ساخت‌گرا در آموزش و پرورش، بیش از آن که معلم‌گرا باشند، دانش‌آموزگرا هستند، از این رو، می‌توان گفت: رویکردهای آشنائی همیاری در تدریس نمونه‌های خوبی از ساخت‌گرایی‌اند

همانند «آموزش و پرورش پیشرونده در ساخت‌گرایی، یادگیری بیش از آن که مبتنی بر معلم محوری باشد، یادگیرنده محور است. تأکید ساخت‌گرایی بر اهمیت سازندگی یا شناخت اطلاعات و دانش از سوی یادگیرنده، است. دیدگاه‌های ساخت‌گرا درباره یادگیرنده، بیشتر مبتنی بر دو دیدگاه با دو نظریه رشدنگر پیازّه و ویگوتسکی است. منظور از رشدنگری، توجه به روند رشد یادگیرنده از جنبه‌های عقلانی، عاطفی، اجتماعی، روانی/حرکتی و ... است. ساخت‌گرایی بر دو رویکرد حل مسئله و اکتشاف در کلاس درس صحنه می‌گذرانند. برخلاف رویکردها یا روش‌های آموزش مستقیم که شدیداً معلم محورند، معلم را پایدارترین منبع اطلاعات و دانش می‌دانند، رویکردهای ساخت‌گرا یادگیرنده را اساس سازندگی و اطلاعات و دانش می‌پندارند. نگرش و روش‌های آموزش مستقیم تا درصد بالایی با نظریه‌های رفتارگرا سازگار است؛ اتکای نظریه‌های رفتارگرا بر نقش آفرینی معلم است. بر طبق این نظریه‌ها، معلم آماده‌کننده شرایط وقوع و کنترل یادگیری و ارائه دهنده دانش و تقویت است. تاکنون بسیاری از روش‌های تدریس مورد قبول، متأثر از دیدگاه‌های سنتی رفتارگرایانه بوده‌اند که اساساً تدریس را عمل «بیان» و عرضه واقعیت‌ها و اطلاعات به دانش‌آموزان قلمداد می‌کرده‌اند، درست مثل پر کردن یک لیوان خالی، یا آن که روش‌های تدریس مبتنی بر رفتارگرایی در ایجاد

تبحر در مهارت‌هایی سطح پایین که در بسیاری از آزمون‌های سنجیده می‌شوند موفق عمل کرده‌اند، اما در کل، در پرورش دانش و توانایی‌هایی که دانش‌آموزان برای زندگی روزانه خود نیاز دارند. ناموفق بوده‌اند. برخلاف الگوها یا روش‌های تدریس رفتارگرایانه، برداشت‌های جدیدتر دربارهٔ نحوهٔ یادگیری دانش‌آموزان، مفهومی از تدریس را ارائه می‌دهد که بر پرورش دانش‌آموزان فکور تأکید می‌ورزند – دانش‌آموزانی که قدرت شناخت و استفاده از آموخته‌های خود را دارند. مفهوم جدیدتر توصیف شده، همانا «ساخت‌گرایی» است. ساخت‌گرایی، یادگیری را فرایندی پویا و درونی در نظر می‌آورد که طی آن دانش‌آموزان به شکلی فعال و با ارتباط دادن اطلاعات جدید به آنچه پیشتر آموخته‌اند بر توانایی‌های خود می‌افزایند. دو نگاه ساخت‌گرایانه به یادگیری، یادگیری فرآیندی است که دانش‌آموزان دریافت‌کنندهٔ منفعل اطلاعات نیستند، بلکه آنان پردازش‌دهندهٔ فعال اطلاعات به شمار می‌آیند. تأکید عمده روش‌های نوین تدریس بیشتر بر پرورش توانایی تحلیل، حل مسایل و کاربرد در دانش‌آموزان است.

به طور خلاصه نظریه های برنامه درسی عبارتند از (۶):

جدول : مقایسه نظریه های برنامه درسی

نظریه پرداز	رشدگرا(رش) تعامل گرا(ت) رفتارگرا(رف)	نقش معلم	تدریس مهارت های پایه	افراد چگونه یاد می گیرند
دیویی	رش	راهنما	خیر	به طور عملی، تقلید از حرفه های بزرگسالان
پیاژه	ت	هدایت با توجه به توانایی کودک	تدریس در حد توانایی کودک	از طریق آزمایش و تعامل با محیط طبیعی
هولت	رش	اجازه انتخاب به کودک	خیر	فرصت دادن به کودک برای انتخاب آنچه می خواهد یاد بگیرد و حق انتخاب چگونگی یادگیری
مونتسوری	رش	راهنما	در دسترس قرار دادن	انتخاب های معینی از فعالیت های خوداصلاحی متناسب با سن فرد
اشتاینر	رش	الگو، فراهم کردن فعالیت های هنری از طریق ایجاد رابطه	بلی، مهارت های درسی مناسب	از طریق درگیری فعال، تحریک ادراک فراحسی از طریق هنر، حرکت، موسیقی و صنعت
برونر	ت	فراهم کردن فعالیت های اکتشافی	بلی	از طریق واداشتن دانشمندان به تهیه برنامه درسی برای دانش آموزان، از طریق اکتشاف
رُگ	رش و رف	هدایت در حد توانایی کودک	بلی، بعد از بررسی برای کاربرد تجزیه و تحلیل توسط بزرگسالان	از طریق ارائه تکلیف مناسب برای یادگیری
اسکینر	رف	یادگیری برنامه ای	بلی	از طریق ارائه تکالیف مناسب با سطح مهارت و ارائه فوری بازخوردها
میگر	رف	انتخاب اهداف کلی و رفتاری	تدریس در حد توانایی کودک	از طریق انتقال صریح هدفها
انگلمن	رف	تجزیه و تحلیل تکلیف، ساخت روالهای درسی	بلی	از طریق تجزیه و تحلیل مرحله به مرحله فعالیتها جهت انتقال دقیق مفاهیم

۵

e-learning چیست ؟

یادگیری الکترونیکی را می توان استفاده نظام مند از فناوری اطلاعات دانست بطور کلی یادگیری الکترونیکی مفهومی است که بیانگر به کارگیری فناوری های اطلاعاتی و ارتباطی مانند اینترنت و سیستم های چند رسانه ای به مثابه ابزارهای برای بهبود کیفیت یادگیری از طریق ارائه تسهیلاتی برای دسترسی آسان به منابع و خدمات آموزشی و فراهم کردن سازوکارهایی چون تعامل و همکاری از راه دور است . در این صورت با بهره گیری از فناوری ها و رسانه ها دیجیتالی برای ارائه حمایت بهینه سازی تدریس یادگیری،سنجش وارزشیابی محیط یادگیری الکترونیکی پدید می آید که از محیط های یادگیری سنتی متمایز است برخی یادگیری را با یادگیری بر پایه فناوری معادل دانسته اند .در این روش تنوع بسیار زیادی وجود دارد .

کراس یادگیری الکترونیکی را دارای ۶ نشانه به این شرح می داند :

- ۱- یادگیری الکترونیکی به وسیله اینترنت صورت می گیرد.
- ۲- یادگیری الکترونیکی با جدیدترین اطلاعات همراه است .
- ۳- یادگیری الکترونیکی مجموعه ای از روش ها آموزشی را در بر می گیرد .
- ۴- یادگیری الکترونیکی به وسیله تلاش خود فراگیرنده ویا بهره گیری ازفناوری ها جدید مبتنی است
- ۵- یادگیری الکترونیکی قابلیت انجام دادن فرایند های اداری مدیریتی را فراهم می سازد .
- ۶- یادگیری الکترونیکی فراگیرنده محور است وبه ویژگی های فردی توجه دارد .

تعریف لغوی :به مجموع فعالیتهای آموزشی اطلاق می گردد که با استفاده از ابزارهای الکترونیک اعم از مجازی و ... صورت می گیرد صوتی ، تصویری ، رایانه ای شبکه ای،

تعریف مفهومی : یادگیری فعال و هوشمندی است که ضمن تحول در فرایند یاددهی و یادگیری و مدیریت دانایی ، در گسترش ، تعمیق و پایدار نمودن میشود.

ICT چیست ؟

سه نوع تلقی نسبت به فناوری ارتباطات و اطلاعات وجود دارد :

- ICT به عنوان ابزار
- ICT به عنوان مهارت
- ICT به عنوان قابلیت

. - به عنوان ابزار متعلق به دوره ما قبل صنعتی و دوره کشاورزی است
. - به عنوان مهارت متعلق به دوره صنعتی است
. - به عنوان قابلیت متعلق به دوره پسا صنعتی یا جامعه اطلاعاتی است
. فراتر از ابزار ، مهارت و بلکه یک قابلیت و یک فرهنگ و اندیشه است پس
هم بسترساز یک فرهنگ ، یک راه و اندیشه خواهد بود و هم زمینه ساز e-learning نتیجه : توسعه تحول در نظام یاددهی و یادگیری و بلکه دانایی در جامعه است.

ویژگی آموزش و پرورش هوشمند و جدید ویژگی آموزش و پرورش سنتی

۱- معلم محور است .

۱- معلم راهنما و تسهیل کننده است (Facilitator) .

- ۲- مدیریت اطلاعات و تولید دانش و - وظیفه دانش‌آموزان و فراگیران حفظ و ذخیره‌سازی مطالب 2 مهارت جدید روش پیدا کردن اطلاعات است .
- ۳- دانش‌آموز محور است و مسؤولیت یادگیری بر دوش شاگرد است .
- ۴- یادگیری فعال ، مشارکتی و وابسته به دانش آموز و سیستم آموزشی است .
- ۵- محتوی درسی نامحدود و متنوع . و متأثر از تلاش فراگیراست . از پیش تعیین شده است .
- ۶- روش‌های آموزشی کیفی و پایدار است - روش ها و شیوه‌های آموزشی کمی و حجمی است .
- ۷- فناوری درهم تنیده و تلفیقی و - فناوری عنصر اضافه شده به نظام آموزشی و در نتیجه 7 . قابل تفکیک است .
- ۸- رابطه مشترک و بصورت گروهی - رابطه یاددهنده و یادگیرنده رابطه دانا با نادان است .

- پیتر سنچ یکی از دانشمندان بزرگ در زمینه مدیریت و نویسنده کتاب پنج فرمان می گوید :

The ability to learn faster than your competitors may be the only sustainable competitive advantage.

در قرن جدید تنها چیزی که شما را می تواند از بقیه رقبا جلوتر بیندازد یادگیری سریعتر می باشد. همزمان و همراه با تحولات و تغییرات وسیعی که در جهان بوجود آمده است رویکردها و دیدگاه های اندیشمندان نسبت به آموزش و یادگیری نیز تحولاتی داشته است. در گذشته جهت آموزش Training را به کار می بردند که به معنای آموزش دادن همراه است و اکنون واژه Learning را به کار می بریم که به معنی آموزش گرفتن می باشد. در آموزش سنتی چون مبنای کار در آموزش دادن همراه بوده است در نتیجه آموزش به صورت اجبار، تنبیه و با زور همراه بوده و نتیجتاً افت تحصیلی چه در کلاس درس و چه در خارج کلاس را به همراه داشته است اما در Learning چون خود فرد خواسته است که یاد بگیرد همراه با بازدهی بالایی می باشد. در سال ۱۹۹۵ شرکت IBM در ژاپن بخش آموزش منابع انسانی خود را از نام Training به نام Education تبدیل کرد.

رویکرهای سنتی و مدرن در آموزش و یادگیری	
رویکرد سنتی	رویکرد مدرن
تاکید بر رقابت - خارج نمودن رقیب از میدان	همکاری و مشارکت تشکیل تیم
وظیفه فراگیران - ذخیره سازی اطلاعات ، حفظ مطالب	مدیریت اطلاعات ، تولید دانش
روابط مدرس و فراگیران - دوگروه مجزا - جاهل و عالم	یک گروه : جامعه فراگیران - یادگیری جمعی

فرایند آموزش - استاندارد	سفارشی با توجه هر دانش پژوه
محیط آموزش - مکانهای خاص ، مکتب ، مدرسه	هر کجا که باشید می توانید یاد بگیرید
زمان آموزش - زمان های خاص و تعریف شده مدارس	هر زمان که اراده کنید میتوانید یادبگیرید

دانشگاه MIT یکی از دانشگاه های معتبر در دنیا می باشد تصمیم گرفته است که تمامی درسهای خود را بر روی اینترنت بگذارد و تا سالهای آینده نزدیک به ۳۰۰۰ درس خود را بر روی اینترنت می گذارد که می توان جهت بررسی بیشتر به سایت www.mit.edu مراجعه کرده و بخش Open course ware مراجعه نمایید. جمله معروف MIT این است.

انواع روش های آموزش الکترونیکی :

آموزش الکترونیکی به دو دسته آموزش هم زمان (online) و آموزش غیر هم زمان (Offline) تقسیم می شود.

در روش آموزش هم زمان استاد یا معلم بطور همزمان به ارائه مطالب درسی به صورت ویدئویی می پردازد و در همان حال فراگیران در سرتاسر جهان در حال دیدن این تصاویر ویدئویی از طریق اینترنت و ویدئو کنفرانس خواهند بود و سوالات و مسائل خود را با همین روش با استاد یا معلم در میان می گذارند .

در روش آموزش غیر همزمان یک رشته برنامه ها و فیلم های آموزشی به همراه سایر نیازمندی های تهیه شده ، با روش گوناگون در قالب نظام های آموزشی متعدد در اختیار کاربران و فراگیران قرار می گیرد . کاربران می توانند در هر زمان که مقتضی بدانند ، با مشاهده ی این برنامه و فیلم های آموزشی و یا بررسی و مطالعه ی کتابهای الکترونیکی و سایر محتوای آموزشی از آنها بهره مند شوند . مطالعات محققان و متخصصان در حوزه ی پژوهش های آموزشی و تربیتی نشان داده است که هر چند در روش آموزش هم زمان استاد یا معلم با استفاده از سایر وسایل کمک آموزشی به انتقال مطالب به فراگیران می پردازد . در این روش بطور کلی سریعتر و بهتر از روش بهره گیری غیرهمزمان از نظام های آموزشی الکترونیکی توانسته است محتوا و مطالب را به فراگیران منتقل کند .

مزایای بهره گیری از آموزش الکترونیکی :

۱. بهره گیری از امکانات صوتی و تصویری برای تفهیم مطالب و افزایش بهره‌وری کار
۲. به روز بودن اطلاعات و مطالب ارائه شده
۳. امکان ایجاد ارتباط کاربر با برنامه
۴. امکان تبادل اطلاعات کاربران یا فراگیران با یکدیگر
۵. ضروری نبودن حضور کاربر در زمان و مکان خاص
۶. امکان سنجش آموخته های کاربر به خصوص در مقایسه با دیگران
۷. امکان برگزاری دوره های منتج به دریافت مدرک یا گواهینامه
۸. امکان رفع اشکال برای کاربران (فراگیران)

۹. امکان مخاطب قرار دادن تعداد زیادی از کاربران
۱۰. فراهم شدن امکان جست و جو برای بانک پرسش و پاسخ
۱۱. فراهم شدن امکان استفاده از بانک اطلاعاتی برای مجموعه ی پدیدآورنده

الوین تافلر نویسنده معروف کتاب موج سوم در مورد یادگیری می گوید :

The illiterate of the year 2000 will not be those who can no read and write but those who can not learn, unlearn and relearn.

در سال ۲۰۰۰ مهم نیست که شما چقدر می دانید و یا چقدر نوشته اید. بلکه این مهم است که آنچه را یاد گرفته اید بتوانید به سرعت از یاد ببرید و چیز جدید یاد بگیرید. و خود تافلر مثالی می آورد که من نرم افزار تایپی تحت DOS داشتم وقتی که نسخه تحت Windows نرم افزار به بازار آمد دوستم که از ابتدا نرم افزار تایپی نداشت از من سریعتر یاد گرفت چون من می خواستم با توجه به یادگیری قبلی ام یاد بگیرم به همین خاطر سردر گم شده بودم .

سایتی در جهت راهنمایی استادان و معلم ها در E-Learning :

اگر بر روی سایت www.turnitin.com بروید این سایت در جهت راهنمایی اساتید و گرفتن تقلب های دانش آموزان می باشد، در این سایت اساتید جزوات تهیه شده توسط دانشجویان را گرفته و پس از بررسی مشخص می کنند که آیا چند در صد از جزوات تهیه شده کپی برداری شده است و به ترتیب اگر ۱۰٪ کپی برداری کرده باشید با رنگ قرمز نشان می دهد و اگر مراجع و منابع را دست کاری کرده باشید با رنگ سبز نشان میدهد. همچنین به استاد این امکان را میدهد که حتی ۱۰۰ جزوه را به صورت همان جهت چک کردن به سایت بسپارد ضمنا جهت راحتی استاد این امکان را می دهد که مطالب نوشته شده از کدام منابع کپی برداری شده است و منابع مرجع را رنگ می کند تا استاد آنها را شناسایی کند.

فهرستی کوتاه از برخی رویکرد های آموزشی:

رویکرد انتقالی :

نوعی شیوه آموزشی است که اکثرا در مدارس به کار برده می شود. معلم نقش اصلی در یادگیری را دارد. معلم تمام اطلاعات را در نزد خود دارد. در این رویکرد دانش آموز منفعل است و از طریق گوش دادن اطلاعات را در یافت می کند این روش بسیا ساده است معلمین با این شیوه آشنا هستند. در زمان محدود اطلاعات زیادی را می توانیم منتقل کنیم و برای برخی از مفاهیم شیوه مناسبی است. ولی معلم متوجه نمی شود که دانش آموزان به درستی آن مفهوم را فراگرفته اند یا نه ؟

به فهم عمیق مطالب رسیده اند یا نه ؟

رویکرد کاوشگری :

دو دیدگاه نسبت به رویکرد کاوشگری وجود دارد :

- ۱- کاوشگری عام : به این اشاره دارد که در مورد همه چیز جستجو گری کنیم بدون محدودیت در محتوی مکان و زمان و مشخص نیست که به چه مفهومی برسیم و هر کس متناسب بان نیاز و علاقه اش کار می کند .
- ۲- کاوشگری خاص: عبارت است از پرورش مهارتها و نگرشهای مطلوب در دانش آموزان برای جستجوی خاص و دستیابی به محتوا یا مفهومی مشخص ومعلوم .

شیوه های را که معلمان می توانند در کلاس خود برای پیاده سازی این روش بکار گیرند :

۱- مطرح کردن پرسش

۲- ارائه ناهمخوانی ها

۳- فعالیت های استقرایی

۴- جمع آوری اطلاعات

رویکرد اکتشافی :

نقش معلم تنها انتخاب ابزار و امکانات و فراهم آوردن شرایطی که دانش آموزان بتوانند دست به اکتشاف بزنند و هدایت کمک دانش آموزان و مشاهده فعالیت آنها. نقش دانش آموزان استفاده از ابزار و درگیر شدن با مسئله است. در این رویکرد علم عبارت است از چیزی که فراگیر با ید کشف کند. یادگیری فرایندی است که از طریق مشاهده لمس کردن و آزمایش کردن بدست می آید.

روش هانتر :

مشهور ترین مدل تدریس می باشد. معلم به خوبی کلاس را تحت کنترل دارد بسیاری از واژه هایی که در آموزش شهرت دارند بواسطه این روش اند مثل هدف رفتاری، ارزشیابی ورودی و... این مدل یا روش بر اصول رفتارگرایانه است و موفقیت آن در گرو تکرار و تمرین است و شاگردان مانند یک ظرف خالی تصور می شوند که معلم باید آنها را پر کند.

روش افتراقی :

در این روش به تفاوت های فردی توجه زیادی می شود. ارائه تکلیف و ارائه آموزش براساس ویژگی های فرد تنظیم می شود. زمانیکه معلم معتقد به فلسفه پنج انگشت مساوی هم نیستند باشد از این روش استفاده می کند.

اثر بخشی آموزشی

اثر بخشی :

پاول ای. مات. اثر بخشی سازمانی را ترکیبی از: کمیت و کیفیت محصول، کارایی و قابلیت انطباق و انعطاف می داند. مات استدلال کرد این پنج معیار توانایی سازمان را برای تجهیز قدرت مرکزی برای عمل به کسب اهداف تعیین می کند. مدارس اثر بخش موجب موفقیت تحصیلی بیشتر دانش آموزان، انطباق بهتر با موانع محیطی و برخورد موثر با مشکلات داخلی می شوند.

ارزشیابی یکی از مهمترین مراحل برنامه ریزی آموزشی است که انجام صحیح آن اطلاعات بسیار مفیدی را درباره چگونگی طرح ریزی و اجرای برنامه های آموزشی در اختیار می گذارد و مبنای مفیدی جهت ارزیابی عملکرد آموزشی مراکز آموزشی به دست می دهد. اگر اهداف را به صورت وضع مطلوب سازمان در آینده تعریف کنیم، اثربخشی سازمان عبارت است از درجه یا میزانی که سازمانها به (1377 ریچارد دفت،) هدفهای موردنظر خود نائل می آیند.

تعاریف دیگری پیترو دراگر صاحب نظر به نام مدیریت، اثربخشی را انجام کار درست تعریف کرده است همچون اصلاح رویه های مدیریت، کسب موفقیت، تولید ایده های جدید، تقویت ارزشهای سازمانی، تفکر گروهی، مشارکت و مواردی از این قبیل از جمله تعابیری هستند که در مدیریت معادل با

(1380سلطانی،) اثربخشی به کار می روند

تعبیری که باتوجه به مفاهیم بالا می توان برای اثربخشی آموزشی ابراز داشت عبارتند از:
تعیین میزان تحقق اهداف آموزشی؛!
تعیین نتایج قابل مشاهده از کارآموزان در آموزشهای اجراشده؛!
تعیین میزان انطباق رفتار کارآموزان با انتظارات نقش سازمانی آنها؛!
تعیین میزان درست انجام دادن کار که موردنظر آموزش بوده است؛!
تعیین میزان توانایی ایجادشده در اثر آموزشها برای دستیابی به اهداف؛!
تعیین میزان ارزش افزوده آموزشی؛!
تعیین میزان بهبود شاخصهای موفقیت کسب و کار!

همفهوم اثربخشی در مدیریت با تغییر میزان موفقیت نتایج حاصل از کار باید مهمترین هدف مدیر باشد بازدهی کار یک مدیر نیز باید از طریق صادره های مدیریت سنجیده شود نه میزان وارده ها یعنی اثربخشی. موفقیتهای کاری او، نه مجموعه کارهایی که به وی محول می شود یا در روز انجام می دهد اثربخشی چیزی است که چیزی است که از راه اعمال صحیح مدیریت به دست می آورد و انجام می دهد تعریف اثربخشی. مدیر از راه اعمال صحیح مدیریت به دست می آورد و به صورت بازده کار ارائه می کند. عبارت است از میزان موفقیت مدیر در زمینه بازدهی و نتایج کاری است که به او محول شده است درمورد مفهوم اثربخشی آموزش تعریف جامع و مشخصی وجود ندارد زیرا فرایند دستیابی به آن، کار ارزیابی اثربخشی آموزش یعنی اینکه تاحدودی تعیین کنیم آموزشهای انجام شده تاچه حد. دشواری است ارزیابی اثربخشی آموزش. به ایجاد مهارتهای موردنیاز سازمان به صورت عملی و کاربردی منجر شده است یعنی تعیین میزان تحقق اهداف آموزشی، تعیین نتایج قابل مشاهده از کارآموزان در اثر آموزشهای اجراشده، تعیین میزان انطباق رفتار کارآموزان با انتظارات نقش سازمانی، تعیین میزان درست انجام دادن کار که موردنظر آموزش بوده است، تعیین میزان تواناییهای ایجادشده در اثر آموزشها برای دستیابی به هدفها.

باتوجه به مباحث بالا باید گفت که اثربخشی آموزش از طریق بررسی کارایی درون و برونی نظام آموزش یعنی اگر بتوانیم کارایی درونی و برونی سیستم آموزش سازمانها را اصلاح کنیم. سازمانی تعیین می گردد. (ایرج سلطانی، تدبیر) تقریباً اثربخشی آموزش تضمین می شود

ارزشیابی

ارزشیابی در لغت به مفهوم یافتن ارزشهاست، درواقع ارزشیابی قسمتی از فرایند بقای انسان است به ترتیبی که پیوسته درصدد ارزشیابی اعمال و تجربه هایی است تا عملکرد آینده، رضایت بیشتری را به دست آورد ارزشیابی فرایندی پیچیده است که در جستجوی عوامل مربوط به عملکرد و اثربخشی یک طرح یا پروژه می پردازد تا انجام پذیری آن را تشخیص داده، راه حلهایی برای مشکلات اجرایی بیابد و پروژه ها و (1373درآمدی بر ارزشیابی فعالیتهای آموزشی و ترویجی،) طرحهای مفیدتری برای آینده طراحی کند کیفیت با. در ارزیابی نظامهای آموزشی معمولاً مفاهیم کیفیت، کارایی و اثربخشی موردتوجه قرار می گیرد **کیفیت نظام آموزشی** عبارت است از میزان تطابق وضعیت موجود. کارایی و اثربخشی رابطه مستقیم دارد با

نظام آموزشی ارزیابی (عوامل تشکیل دهنده) کیفیت نظام آموزشی را می توان بر مبنای هریک از عناصر کرد.

عناصر آموزشی عبارتنداز

درونداد؛!

فرایند؛ !

محصول؛ !

برونداد و پیامد !

براساس عناصر نظام آموزشی می توان کیفیت را به شرح زیر مطرح ساخت
ویژگیهای رفتار ورودی یادگیرندگان، (عبارت است از میزان تطابق دروندادهای نظام :کیفیت دروندادها !
(انتظارات)با استانداردهای از قبل تعیین شده و هدفها (قابلیتهای مدرسان، برنامه درسی و غیره
یادگیری و سایر فرایندها -عبارت است از میزان رضایت بخشی فرایندهای یاددهی :کیفیت فرایند !
(ساختی، سازمانی و فرایند پشتیبانی)
نتایج امتحانات نیمسال (عبارت است از اینکه تاجه اندازه بروندادهای واسطه ای نظام :کیفیت محصول !
به عبارت دیگر، میزان رضایت .رضایت بخش هستند (...تحصیلی، ارتقای از یک دوره به دوره بالاتر و
بخشی هریک از بروندادهای واسطه ای می تواند نمایانگر کیفیت نظام آموزشی باشد
دانش آموختگان، نتایج پژوهشها (عبارت است از اینکه تاجه اندازه نتایج نظام آموزشی :کیفیت بروندادها !
در مقایسه با استانداردهای از قبل تعیین شده یا اهداف و (و آثار علمی دیگر، خدمات تخصصی عرضه شده
..انتظارات رضایت بخش هستند

منظور از ارزیابی کارایی آموزشی قضاوت درباره آن است که برای سطح مطلوب :ارزیابی اثربخشی !

ویژگیهای یادگیرنده، (، چه حداقلی از درونداد (دانش آموخته، آثار علمی، خدمات تخصصی)برونداد
به عبارتی، منظور از .کفایت می کند (یاددهی، یادگیری و غیره)و فرایند (ویژگیهای معلم، بودجه و غیره
.کارایی آموزشی آن است که برای سطح معینی از عوامل درونداد، برونداد آموزشی به حداکثر رسانده شود

اثربخشی

مفهوم .در ادبیات مدیریت، اثربخشی را انجام کارهای درست و کارایی را انجام درست کارها تعریف کرده اند
اثربخشی در درون مفهوم کارایی جا دارد، البته اثربخشی لزوما در چارچوب برنامه خاصی که تحت ارزشیابی
درواقع بررسی میزان موثر بودن (EFFECTIVENESS)منظور از اثربخشی .است باید تعریف شود
به عبارتی ساده تر در یک مطالعه .اقدامات انجام شده برای دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده است
اما به نظر می رسد برای تعریف مفهوم اثربخشی .اثربخشی، میزان تحقق اهداف اندازه گیری می شود
می بایست گامی فراتر نهاد، به این معنا که اثربخشی هنگامی در یک دوره آموزش حاصل خواهد شد که اولاً
ثانیا برنامه مناسبی برای برطرف ساختن نیازها طراحی .نیازهای آموزشی به روشنی تشخیص داده شود
ثالثا برنامه طراحی شده به درستی اجرا گردد و رابعا ارزیابی مناسبی از فرایند آموزش و درنهایت .شود
دستیابی به اهداف انجام شود

نکته مهم و اساسی درمورد اثربخشی آموزشی آن است که قبل از آنکه درصد بررسی نحوه اندازه گیری
اهداف باشیم، می بایست درپی انجام صحیح فرایند آموزش و اطمینان از تحقق آن در هر مرحله از این
با مطالعه تاریخچه کیفیت درمی یابیم که در گذشته ای نه چندان دور، تولیدکنندگان برای .فرایند باشیم
اطمینان از کیفیت به بازرسی محصول نهایی توجه داشتند و درواقع بازرسی زمانی انجام می شد که
محصول تولیدشده بود و فرصتی برای رفع خطاهای احتمالی وجود نداشت درحالی که با طرح موضوع
تضمین کیفیت بحث ایجاد کیفیت و اطمینان از وجود آن طی مراحل مختلف تولید مطرح گردید
بدین معنا که اندازه گیری اثربخشی به .درمورد اثربخشی آموزشی نیز دقیقاً وضع به همین گونه است
اثربخشی و کیفیت آموزش، می بایست در .صورت مطلق و در پایان یک دوره آموزشی رویکرد کاملی نیست
طول فرایند آموزش ایجاد و تضمین گردد و در پایان این فرایند برای اطمینان از صحت اقدامات و تحقق
اهداف موردبررسی و اندازه گیری قرار گیرد

هدف و ضرورت اثربخشی

باتوجه به گسترش برنامه ها و مراکز آموزشی وزارت نیرو که مستلزم صرف منابع انسانی، مالی و مادی فراوانی است که تامین این منابع موجب حساسیت بیشتر مدیران و شرکت کنندگان در دوره ها نسبت به بررسی میزان اثربخشی دوره ها و ارائه بازخورد اطلاعاتی به افراد پاسخی منطقی به این آموزش شده است. حساسیت است.

یک نمونه از روشها و ابزار ارزیابی اثربخشی عبارت است از

هدف ارزیابی اثربخشی در راستای پاسخ به پرسشهای زیر است: پرسشهای ارزیابی اثربخشی

آیا حضور در دوره های آموزشی و ارتقای دانش شرکت کنندگان، موثر بوده است؟!

آیا ارتقای دانش شرکت کنندگان در دوره های آموزشی، در طول زمان پایدار بوده است؟!

آیا شرکت در دوره های آموزشی در دوره های آموزشی در ارتقای سطح مهارت شغلی یا انجام وظایف! محوله موثر بوده است؟

آیا ارتقای مهارت شغلی شرکت کنندگان در دوره های آموزشی در طول زمان پایدار بوده است؟!

کاربردی تا چه میزان در تحقق اهداف آموزشی فوق بوده است؟ -اجرای دوره های آموزشی علمی!

آیا دوره های آموزشی نیاز شرکت کنندگان را تامین کرده است؟!

آیا شرکت کنندگان در دوره ها از امکانات و نحوه برگزاری دوره های آموزشی رضایت دارند؟!

مثالهای زیر در ارتباط با مفاهیم اثربخشی استادان و برنامه درسی در طراحی پرسشها و پرسشنامه های مربوطه می توان مورد استفاده قرار گیرد

آیا معلم دانش و معلومات موردنیاز را دارا: دانش درباره موضوع درسی: الف: معلم کارآمد و موثر: 1مثال است؟

آیا مطالب معلم سازمان یافته است؟: سازماندهی و وضوح ارائه مطالب در گروه: ب:

آیا راهبردهای تدریس آگاهانه مورد استفاده قرار می گیرد؟ آیا نکات مهم به صورت خلاصه ارائه می شود؟

آیا در کلاسهای درس بحث صورت می گیرد؟ آیا همه حاضران به پرسیدن: تعامل بین معلم و شاگرد: ج: پرسشهای خود تشویق می شوند؟

آیا معلم نسبت به امر تدریس علاقه نشان می دهد؟ آیا معلم به فراگیران احترام: سطح علاقه و هیجان: د: قائل می شود؟

آیا مواد آموزشی مورد استفاده قرار می گیرد؟: استفاده از مواد آموزشی: ه:

آموزشهای فراگیران تاچه حدی است؟ چه نوع آموزشی می بینند؟: پیشرفت فراگیران: و:

آیا معلم صادقانه و درعین حال با ظرافت فراگیران را از: دادن بازخورد به فراگیران درمورد پیشرفت آنان: ز: چگونگی پیشرفت خود مطلع می کند؟

آیا معلم امر انتقال آموخته های کلاس را به خارج از: کمک به انتقال آموخته ها به خارج از کلاس: ط:

کلاس تسهیل می کند؟ آیا در کلاس، طرح ایجاد درآمد ارائه می شود

به طور کلی در اثربخشی توجه به نکات زیر ضروری است: ارزشیابی اثربخشی برنامه درسی: 2مثال

توجه به ماهیت ارزشیابی و اثربخشی؛!

... جایگاه اثربخشی در برنامه درسی و!

به منظور تصمیم گیریهای مربوط به ادامه، قطع، تعدیل یا (تحقق یافتن هدفها) ارزشیابی اثربخشی. گسترش برنامه است.

منابع و مأخذ:

- (۱) رضانی خانی_راهنمای عملی روشهای مشارکتی و فعال در فرایند تدریس.موسسه فرهنگی منادی تربیت . ۱۳۸۱
- (۲) بهارالنوار جلد 78
- (3) وین هارلن _ترجمه شاهد سعیدی .نگرشی نو بر آموزش علوم تجربی .انتشارات مدرسه چاپ هفتم . ۸۱.
- (۴) روانشناسی پرورشی . ترجمه دکتر خوبی نژاد .صفحات ۵۶۴ و ۴۱۷.
- (۵) روانشناسی پرورشی (روانشناسی یادگیری و آموزشی).دکتر سیف
- (۶) آنا بل نلسون،طراحی برنامه درسی- مترجم:یوسف رضاپور- انتشارات سمت
- ایرج، سلطانی، اثربخشی آموزش در سازمانهای صنعتی و تولیدی، مجله تدبیر، شماره ۱۱۹ (۷) -
- ناصر، پورصادق، رویکردهای ارزشیابی اثربخشی آموزش، مجله تدبیر، شماره ۱۶۰ - ۶(۸)

نحوه تحویل تحقیق به صورت زیر میباشد:

عنوان

فهرست مطالب

صفحه تشکر و قدردانی و تقدیم به

فصل اول : شرح تحقیق

مقدمه

بیان مساله

اهمیت مساله

هدف پژوهش

فرضیه ها و یا سوالات تحقیق

تعریف مولفه ای و عملیاتی متغیرها

فصل دوم: پیشینه پژوهش

مقدمه

توضیحی بر تاریخچه موضوع در جهان و در ایران

تئوریهای مرتبط با موضوع در صورت امکان

فصل سوم: روش پژوهش

مقدمه

روش پژوهش

جامعه آماری و نمونه آماری

روش نمونه گیری

ابزار پژوهش

روش اجرا
روش تجزیه و تحلیل

فصل چهارم: یافته های پژوهش

مقدمه

جدول ۱

جدول ۲

جدول ۳

جدول ۴

فصل پنجم: بحث و نتیجه گیری

بحث و نتیجه گیری

محدودیت ها

پیشنهادات

منابع

پیوست ها